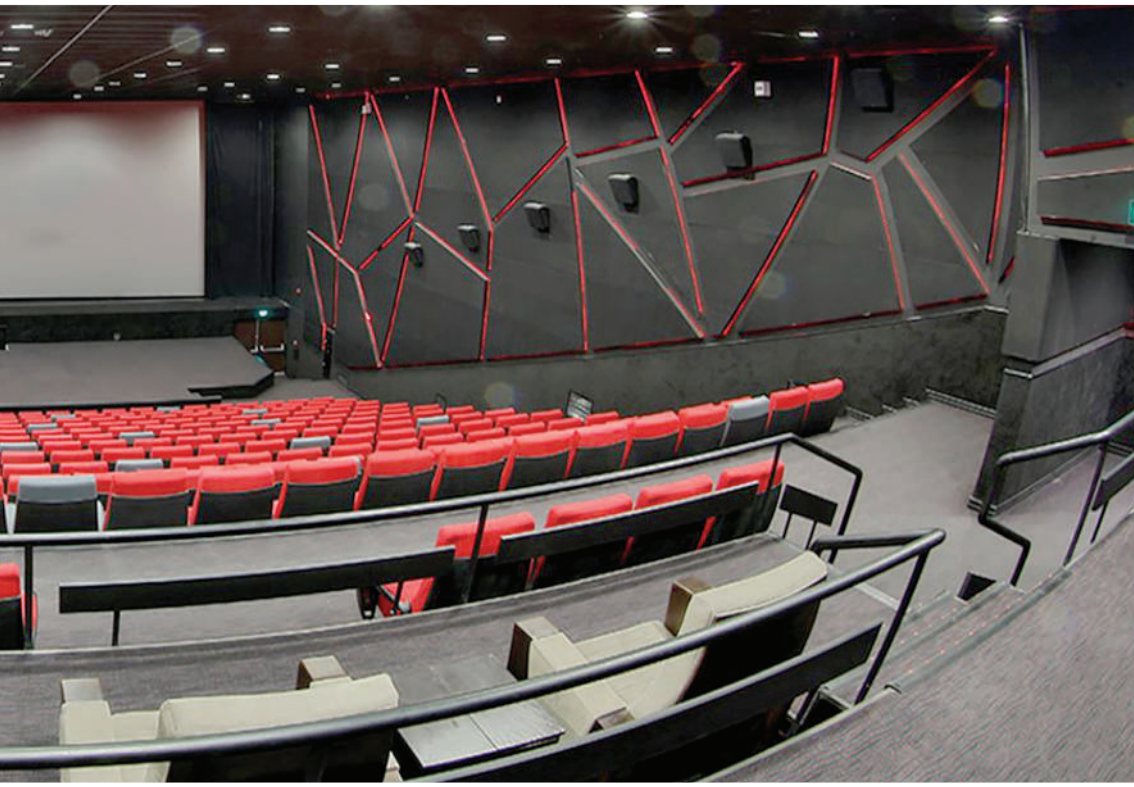


شنبه‌های چالشی صبا؛ تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

# نحوه اکران منجر به فیلم‌سوزی



سال‌هاست درباره شیوه اکران و نظامنامه اکران بحث‌های مختلفی در جریان است و برخی از عدالت و برخی از بی‌عدالتی در اکران که اصطلاحاً منجر به فیلم‌سوزی می‌شود سخن می‌گویند. در راستای اجرای مفاد ماده ۳ آیین‌نامه ساماندهی و نظارت بر نمایش سالن‌های سینما مصوب اسفند ۱۳۹۹ هیأت وزیران مبنی بر الزام سازمان امور سینمایی به تهیه دستورالعمل نحوه نظارت بر نمایش در سالن‌های نمایش فیلم و نیز انجام مأموریت تنظیم‌گری، زمان بندی و عدالت در نمایش آثار سینمایی دارای پروانه نمایش، نظامنامه اکران سینمای ایران توسط شورای راهبردی اکران تنظیم و با تصویب رییس سازمان سینمایی ابلاغ می‌شود. نظامنامه اکران در ۲۶ ماده، امور مربوط به اکران را مشخص کرده و سیاست‌های مربوط به این حوزه را به شکلی صریح و شفاف اعلام کرده است. بنابراین با مراجعه و مطالعه این نظامنامه متوجه می‌شویم که قوانین به صراحت پیش‌بینی و اعلام شده است. قوانینی که می‌تواند پاسخگوی سو تفاهم‌ها و تعابیر و تفاسیر افراد ذی‌نفع در اکران و راهگشای مدیریت درست در چرخ اکران شود. اما این که همچنان با برخی اعتراض‌ها در خصوص اکران به خصوص در چند هفته اخیر مواجه شده‌ایم ما را بر آن داشت تا در چالش این هفته روزنامه صبا به این موضوع توجه ویژه کنیم و تصمیم گرفتیم به سراغ منتقدان و کارشناسان فعال رسانه برویم که در چرخه اکران ذی‌نفع نیستند تا از نگاه آنان به بررسی این موضوع بپردازیم.

روزنامه صبا همواره آمادگی انعکاس نظرات اهالی فرهنگ و هنر، مدیران و کارشناسان فعال در این عرصه را دارد.

سعید رجبی فروتن  
(معاون اسبق ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی)  
**پایت رازروزی گاز بردار**

فیلم‌سوزی اصطلاح رایجی در ادبیات سینمایی ایران است که منظور از آن اکران بی‌قاعده و فله‌ای فیلم‌ها در یک بازه زمانی است. در این شیوه از اکران، مجال و زمان کافی برای جا افتادن و دیده شدن فیلم‌ها به دلیل تغییر پر شتاب برنامه اکران وجود ندارد و مخاطب نیز با سردرگمی امکان فرصت لازم برای انتخاب و تماشای فیلم مطلوب خود را پیدا نمی‌کند. اخیراً با گذشت بیش از ۹ ماه از سال و اکران ۵۰ فیلم سینمایی بار دیگر فیلم‌سوزی بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری شده است تا گواهی برای شکست و بازماندن تعدادی از فیلم‌ها در گردونه رقابت با فیلم‌های پر فروش باشد. به این خاطر کلیدواژه فیلم‌سوزی از سوی صاحبان فیلم‌های کم مخاطب، ضریب بیشتری می‌گیرد تا شورای صنفی نمایش پایش را از روی گاز بردارد و سرعت تعویض فیلم‌ها را کاهش دهد. نگارنده اعتقاد دارد، ناکامی بعضی از فیلم‌ها در اکران این هفته‌ها ارتباط معناداری با تعداد فیلم‌های روی پرده ندارد. برای اثبات این گزاره از داده‌های جدول فروش فیلم‌ها در دهه ۹۰ کمک می‌گیریم تا نشان دهیم تعدد فیلم‌های اکران شده عامل چندان موثری در دیده نشدن برخی از فیلم‌ها نیست و برای تحلیل فروش ناچیز فیلم‌ها باید به سراغ پارامترهای دیگری رفت.

سال	تعدد فیلم‌های اکران شده	تعداد مخاطبان
۱۳۹۱	۵۴	۱۰۰۶۲۱۰۰۰
۱۳۹۲	۵۸	۹۰۶۲۷۰۰۰۰
۱۳۹۳	۷۱	۱۲۰۷۰۰۰۰۰۰
۱۳۹۴	۸۴	۱۳۰۳۷۴۰۰۰۰
۱۳۹۵	۶۵	۲۵۰۸۴۸۰۰۰۰
۱۳۹۶	۸۱	۲۲۰۸۵۷۰۰۰۰
۱۳۹۷	۷۷	۲۸۰۵۳۸۰۰۰۰
۱۳۹۸	۷۲	۲۶۰۳۱۱۰۰۰۰

همانطور که در جدول پیداست در سال ۹۳ با تغییرات گسترده در فضای سیاسی اجتماعی کشور، تعدد فیلم‌ها و تماشاگران سینمای ایران به ترتیب بیش از ۲۰ و ۳۰ درصد رشد می‌یابند. این روند افزایشی تا ابتدای اسفند ۱۳۹۸ یعنی تا زمان شیوع کرونا و حالت تعطیل و نیمه‌تعطیل دو ساله سینماها ادامه می‌یابد. در دوره مطالعه رکورد تعدد فیلم اکران شده با رسیدن به ۸۵ عنوان فیلم شکسته می‌شود اما به دلیل تنوع مضمونی و فضای نسبتاً باز در جامعه، نمودار فروش فیلم‌ها سیر صعودی به خود می‌گیرد. در آن دوره ضریب اشغال صندلی و سالن‌های سینما که یک و نیم برابر کمتر از ظرفیت سینماها در سال‌های جاری بود، برای سینماداران نسبتاً راضی‌کننده بود و اصطلاحاً فیلم‌سوزی باسماز زیادی در زبان اهالی سینما و سینمایی‌نویسان نداشت. در سال‌های جاری با وجود بیش از ۷۰۰ پرده سینما فقط ۵۰ فیلم تاکنون اکران شده‌است و پیش‌بینی می‌شود این تعداد تا پایان سال به ۶۰ عنوان نرسد و به نصاب ده سال قبل یعنی ۱۳۹۲ نزدیک شود. در دوره مورد مطالعه به دلیل رونق نسبی سینما فیلم‌ها پس از اکران (ولو با فروش ضعیف) از ارزش افزوده برخوردار می‌شدند و رایت

آن‌ها با بهای خوبی برای عرضه در شبکه ویدیویی در نیمه اول دهه ۹۰ و انتشار در سکوی نمایشی در سال‌های پایانی دهه ۹۰ به فروش می‌رفت. با رکود سینما در سال‌های اخیر، سامانه‌های ویدیویی درخواستی تولید محتوای اختصاصی (سریال) را مورد توجه قرار داده‌اند و بیشتر طالب فیلم‌های سینمایی پر فروش و متوسط هستند. در چنین شرایطی نگرانی سرمایه‌گذاران فیلم‌های شکست خورده تشدید می‌شود و بر تنور فیلم‌سوزی می‌دمند. در یک جمع بندی به نظر می‌رسد، دلیل اصلی شکست فیلم‌های غیر کم‌دردی در سال‌های جاری را باید در رفتار تماشاگرانی جست که فعلاً انتظار آن‌ها از سینما در غیاب تولیدات سرگرم‌کننده تلویزیونی و کم‌کاری و مهاجرت سینماگران مؤلف و دغدغه‌مند به دلیل فراهم نبودن شرایط برای ساخت فیلم‌های اجتماعی، خندیدن و فراموش کردن مشکلات ریز و درشت زمینی و آسمانی است!

**حمیدرضا مدقق (منتقد سینما و مدرس علوم ارتباطات)**  
**ضرورت همه‌جانبه‌نگری**

فیلم‌سوزی در سینمای ایران اتفاق می‌افتد. اما این بحران، تک‌متغیره نیست. یعنی نمی‌توان و نباید همه کاسه کوزه‌ها را بر سر یک عامل شکست. فیلم‌سوزی محصول متغیرهای گوناگون است: فقدان سیاستگذاری مناسب در تولید، پخش و نمایش فیلم، نداشتن جذابیت، تنوع ژانر و یکنواخت بودن و شبیه شدن فیلم‌ها به یکدیگر، ضعف در تبلیغات و آشنا نبودن با شیوه‌های جدید معرفی محصولات فرهنگی و هنری، کمبود سالن‌های سینما و توزیع نامتناسب سالن‌های فعال به لحاظ جغرافیایی در شهرها و استان‌های کشور و گرایش تماشاگران به ویژه مخاطبان جوان به مصرف فیلم بدون مراجعه به سالن سینما از جمله مهمترین عوامل تاثیرگذار در پدید آمدن این بحران است. از این رو هر اقدامی در جهت حل این مشکل نیز باید جامع و همه‌جانبه‌نگر باشد و همه متغیرهای موثر را در نظر بگیرد. تجربه‌های پیشین گواه آن است که تقلیل دادن و منحصر کردن عامل فیلم‌سوزی به دخالت مدیران سالن‌های سینما یا کرختی و سستی فیلم‌ها نتیجه‌ای جز پدید آمدن بگو مگوهای بی‌پایان و بی‌نتیجه بین سالن‌داران و فیلمسازان (به ویژه کارگردانان جوان) ندارد و جالب آن که هر دو گروه نیز دلایل و شواهد محکمی برای برحق دانستن خود و محکوم کردن طرف مقابل دارند.

از این منظر، راه‌گشای چرخه باطل «کی بود کی بود من نبودم» در بحران فیلم‌سوزی، اجماع و هم‌افزایی همه طرف‌های درگیر در حوزه سیاستگذاری، تولید، پخش و نمایش و شکل‌گیری عزمی راسخ برای حل این بحران است. برای رسیدن به چنین اجماعی هم ضروری است که همه طرف‌ها (تهیه‌کننده، کارگردان، پخش‌کننده، مدیر سالن و مسئولان مربوطه) ضمن به رسمیت شناختن ضعف‌ها و اشکالات خود،

از تاکید صرف بر منافع فردی‌شان دست بردارند و کمی هم به منفعت و حقوق مادی و معنوی سایر طرف‌ها بیندیشند. چنین امری شدنی است؟ حتماً امکان پذیر است اما در حال حاضر متأسفانه اندک نشانه‌ای هم در این زمینه دیده نمی‌شود و صرفاً همان حرف‌ها، گله‌ها و علت‌ها بارها گفته شده است که دائماً تکرار می‌شوند.

طبعاً تداوم چنین وضعیتی هم فقط به نفع فرصت طلبانی خواهد بود که به جای پاسخگویی به هر پرسشی درباره سیاستگذاری‌های نادرست، پارتی بازی و زد و بندها و یا کم‌مایگی فیلم‌های‌شان، علت همه این مشکلات را فقط یک چیز می‌دانند: فیلم‌سوزی!

**منوچهر اکبرلو (منتقد سینما و پژوهشگر):**  
**اکران، دغدغه کسی نیست**

۱- چند سال پیش برای پژوهشی، فیلم‌های اکران نشده سینمای ایران را شمارش می‌کردم. چیزی حدود ۳۰۰ فیلم. اکنون قطعاً بیشتر شده. بعضی از این فیلم‌ها مجوز اکران را دریافت نکرده‌اند (توقیف شده‌اند) یا به دلیل ممیزی‌های زیاد بنا بر تصمیم کارگردان یا تهیه‌کننده به نمایش در نیامده‌اند یا درگیر اختلافات حقوقی سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده و نهاد حامی بوده‌اند و برخی دیگر هم به دلیل مشکلات فنی اکران عمومی نشده‌اند. هر چه هست به اندازه تمام تولیدات کشورهای منطقه، فیلم اکران نشده داریم.

۲- اغلب فیلم‌های توقیفی در جریان تغییر مدیران توقیف شده‌اند، به این ترتیب که مجوز ساخت یک فیلم در دوره مدیر قبلی صادر شده و مدیر بعدی آن را مناسب اکران عمومی نیافته است. تعدادی از فیلم‌ها نیز تولیداتی تجربی بودند که گاه با بودجه‌های دولتی ساخته شدند و دغدغه اکران آن‌ها چندین بار برای سازندگان‌شان مطرح نبوده است. اما چرا؟ چرا برای تولیدکنندگان، اکران مهم نیست؟ این برمی‌گردد به نگاه سازندگان و حامیان ساخت فیلم در ایران، به مقوله سینما.

۳- در آمریکا، کره جنوبی، هند یا ترکیه، فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بخشی از «تجارت سرگرمی» به حساب می‌آیند. این در حالی است که در کشورهای چینی، ایران، این محصولات جزئی از «صنایع فرهنگی» هستند. هر دو دسته بندی، این معنای راسخ را می‌رساند که فیلم آمیزه‌ای از هنر و صنعت است. اما وقتی کسب و کارتان مربوط به هنر باشد، بالاترکلیفی مواجه می‌شوید. شاید بشود میزان تقاضای بازار را نسبتاً دقیق پیش‌بینی نمود، اما مشکل را می‌توان در میزان تقاضا برای یک محصول خاص هنری برآورد کرد.

۴- فیلم سینمایی، فرآورده‌ای است که مصرف‌کنندگان ناچارند پیش از دیدن آن، بهایش را بپردازند. دیدن فیلم برای آگاه شدن از محتوای آن و سپس بازگشتن به سالن سینما و دوباره دیدن فیلم راه حل مناسبی